



عید پاکان

ویژه عید سعید فطر

ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم، شمارگان: ۴۰۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس تهران: خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت

فرهنگی

آدرس مجتمع قم: خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲ مجتمع

فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۷۷۴۶۴۳۱ - ۰۲۵۱ - ۷۷۳۷۱۳۱ - ۰۲۵۱



سازمان اوقاف، امور خیریه
معاونت فرهنگی



مقدمه

رمضان ماه پاکى و بندگى است ماهى که از شبهای آن تعبیر به خیراً من الف شهر می‌شود در این ماه نفس کشیدن خوابیدن و بیدار ماندن عبادت محسوب می‌شود برای تهذیب نفس باید خود ساخته باشی یعنی نخوری و نیاشامی هر حرفی نرنی و صدایی را گوش ندهی و هر صحنه‌ای را نبینی تا شیطان در غل و زنجیر گرفتار کنی.

بله روزه دار واقعی این چنین است کسی که بعد از یک ماه مبارزه شدید با شیطان و جلب رحمت های الهی انتظار عیدانه و جایزه از ذات باری تعالی را دارد «الذی جعلته للمسلمین عیداً»

عید از ماده «عود» بمعنای بازگشت و فطر از ماده «فطرت» بمعنای درون، ضمیر و خویشتن گرفته شده است پس عید فطر یعنی بازگشت به خویشتن آن که پاک و پاکیزه شده و بعد از سی روز شست و شو و از بین رفتن زنگار گناه و ردائل شکسته شدن دست پای شیطان گویی تازه متولد شده، چرا که طبق گفتار امیر مؤمنان ⁷، روزه داران در شب عید فطر از تمام آلودگی‌ها





و پلیدی‌ها پاک شده اند و کمترین پاداش خود را که پاکی و پاکیزگی است دریافت نموده‌اند. آن حضرت چنین می‌فرماید: «واعلموا عباد الله! ان ادنی ما للصائمین والصائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان: ابشروا عباد الله! فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکنون فیما تستانفون؛ ای بندگان خدا! بدانید که کوچکترین چیزی که برای مردان و زنان روزه‌دار است، این است که فرشته‌ای در روز آخر ما مبارک رمضان به آن‌ها ندا می‌دهد: ای بندگان خدا! بشارتتان باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید، پس بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد.

واز طرفی وای به حال آنانکه این روزها و شبها را دست داده‌اند و شاید امروز در این دنیا متوجه نباشند ولی در قیامت آشکار خواهد شد که چه گوهرهای نفیس و فرصت‌های طلائی رابه باد داده اند ولی افسوس و صد افسوس که آب ریخته به کوزه باز نگردد پس بیایید متوجه این لحظات عمر باشیم و آنرا غنیمت شماریم زیرا به قول سعدی امید نیست که عمر گذشته باز آید.



امیرالمومنین 7 عید فطر را به روز قیامت تشبیه می‌کنند و این چنین می‌فرمایند:

ایها الناس! ان یومکم هذا یوم یتاب فیہ المحسنون و یرس فیہ المبتلون و هو اشبه بیوم قیامکم، فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلاکم خروجکم من الاجداث الی ربکم و اذکروا بوقوفکم فی مصلاکم و وقوفکم بین یدی ربکم، و اذکروا برجوعکم الی منازلکم، رجوعکم الی منازلکم فی الجنه.

عباد الله! ان ادنی ما للصائمین و الصائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان، ابشروا عباد الله فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکونون فیما تستانفون

ای مردم! این روز شما روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می‌گیرند و زیانکاران و تبه‌کاران در آن مایوس و نا امید می‌گردند و این شباهتی زیاد به روز قیامتتان دارد، پس با خارج شدن از منازل و رهسپار جایگاه نماز عید شدن به یاد آورید خروجتان از قبرها و رفتنتان را به سوی پروردگار، و با





ایستادن در جایگاه نماز به یاد آورید ایستادن در برابر پروردگارتان را و با بازگشت به سوی منازل خود، متذکر شوید بازگشتتان را به سوی منازلتان در بهشت برین، ای بندگان خدا، کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه دار داده می شود این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می دهد و می گوید:

هان! بشارتتان باد، ای بندگان خدا که گناهان گذشته تان آمرزیده شد، پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید.

جود و جبروت

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرَوْتِ وَاَهْلَ الْعَمُوِّ وَالرَّحْمَةِ...

بیائید در این روز بزرگ به مقام کبریای الهی بگوئیم که:

الهی ... این قلب هراسناک که امید چهاردیواری ضلالت و گمراهی است، به آرامش نمی رسد؛ مگر به نور روشن هدایت تو و زخم های چرکین روح که به تیرهای زهر آلود گناه مبتلا گشته درمان نمی شود؛ مگر به مرهم احسان تو ...!





الهی ... در ورطه های سخت زندگی، در تمام لحظات پس از مرگ، از تو یاری می‌خواهم که نیک می‌دانم آن روز که آتش غضب و خشم تو، جسم فرتوت و ناتوان مرا در برگیرد، این استخوان‌های ضعیف تاب عذاب ندارند!

الهی ... اگر در خلوت شب‌های مبارک، دستی از دعا به سویت بلند می‌کردم، از آن رو که تو خود مرا به دعا فرمان دادی و لذت و حلاوت چشیدن «لبیکت» مرا بر آن می‌داشت که مشتاقانه و عاجزانه در خانه‌ات را بکوبم و تو در به رویم بگشایی و کام تشنه‌ام را که در جست و جوی یک جرعه معرفت است، سیراب سازی.

الهی ... سجاده سجاده تو را می‌جویم و به سوی تو می‌آیم؛ بدان امید که پاکیزه‌ام سازی و آینه قلبم را صیقل دهی تا اسما و صفات تو در آن متجلی شود و نور جمالت در آن تابان باشد.

الهی ... می‌دانم که اسیر عصیانم و در بند شیطان و لجام گسیخته شهوات ... که در هیبت انسانم ...، اما تویی بخشنده‌ترین بخشندگان که می‌توانی دست‌های عاجز ما را نیرویی عطا کنی تا به سوی آسمان به فراز درآیند. و





اینک در این روز بزرگ، عیدی ما را رستگاری دنیا و آخرت قرار ده.

امام صادق 7 و عید فطر

از آموزنده‌ترین فرازهای زندگی امام صادق 7 حادثه‌ای شنیدنی است که در عید فطر اتفاق افتاد ماجرا از این قرار بود که ابوالعباس سفاح، اولین خلیفه عباسی در هنگام خلافت خویش در بغداد، روزی امام صادق 7 را به مرکز خلافت خود احضار کرد. او به دنبال فرصتی می‌گشت تا آن حضرت را به شهادت برساند تا اینکه وی آخرین روز ماه مبارک رمضان را عید فطر اعلام کرد. آن روز هنگامی که حضرت صادق 7 در منطقه حیره بر او وارد شد خلیفه از او پرسید: ای اباعبدالله! نظر تو راجع به روزه امروز چیست؟ امام صادق 7 با بهره‌گیری از آیه تقیه که می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقِيَةً وَيَحْذَرُكَمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را به دوستی بگیرند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند شما را از





عقوبت خود بر حذر می‌دارد و بازگشت همه به سوی خداست. و با پیروی از اجداد طاهرین خویش تقیه نموده، و به سفاح فرمود: این مربوط به پیشوای مردم است، تو اگر روزه بگیری، من هم روزه می‌گیرم و اگر افطار کنی من هم افطار خواهم کرد. در این هنگام سفاح به غلام خود دستور داد تا سفره غذا را بچیند و امام صادق 7 به همراه او غذا خورده و روزه‌اش را شکست با اینکه مطمئناً می‌دانست آن روز از ماه رمضان است و عید فطر نیست. آن حضرت در توضیح عمل خویش به یاران نزدیکش فرمود:

«و الله انّه يومٌ من شهر رمضان فکان افطاری یوماً و قضاؤه ایسر علی من ان یضرب عنقی ولا یعبد الله؛ به خدا سوگند آن روز از ماه رمضان بود و یک روز شکستن روزه ماه رمضان (بخاطر تقیه و حفظ دین) و ادای قضای آن برای من آسانتر از این است که کشته شوم و خدا عبادت نشود.

حضرت صادق 7 با این تدبیر الهی توطئه خلیفه ستمگر را خنثی نموده و به شیعیان درسی دیگر آموخت. آن حضرت در این روایت ضمن تأکید بر اصل قرآنی تقیه، به فلسفه آن نیز اشاره می‌فرماید که تقیه برای حفظ دین





است نه برای حفظ زندگی افراد.

و اضافه می کند که اگر من بخاطر حادثه‌ای کوچک کشته شوم دین الهی از میان رفته و عبادت و اطاعت از خداوند متعال به فراموشی سپرده خواهد شد

اعلام عید فطر وظیفه حکومت است یا مراجع؟

پیشوایان و رهبران دینی در جامعه اسلامی وظیفه هدایت و رهبری امت اسلامی را برعهده دارند. هدایت مردم معمولاً با راهنمایی‌ها و اوامر و نواهی که از سوی آنان صادر می‌شود انجام می‌گیرد. رهبران دینی گاهی از آن جهت که کارشناس فن و متخصص امر هستند اظهار نظر می‌کنند و گاهی به عنوان رهبر و پیشوای امت، فرمان‌هایی صادر می‌کنند. پیامبر مکرم اسلام ﷺ دارای هر دو بعد بودند، هم احکام شرعی الهی را بیان می‌کردند هم دستورهای اجتماعی سیاسی، مانند فرمان جهاد و اعلام صلح صادر می‌کردند.

این مسئله در مورد پیشوایان معصوم : و نواب خاص آنان که دارای هر دو جنبه (بیان احکام شرعی و صدور دستورهای اجرائی، سیاسی و اجتماعی)





هستند نیز وجود دارد. یعنی همان‌طور که باید به دستورهای شرعی آن بزرگواران عمل کرد، به فرامین اجتماعی و سیاسی آنان نیز باید گردن نهاد و از آنان متابعت کرد. اما این امر در زمان غیبت کبری که فقهای بزرگوار هدایت دینی و بیان احکام الهی را به عهده دارند، بعضا با مشکلاتی همراه است. در این عصر مردم در ابواب فقهی مختلف مثل نماز، روزه، حج، زکات، خمس و... و عموم عبادات و معاملات با مراجعه به فقها در جهت رفع تکلیف و عمل به احکام شرعی اقدام می‌کنند و در این زمینه مشکل چندانی ندارند، مشکل مردم در پاره‌ای مسائل اجتماعی سیاسی مانند اقامه حدود الهی، اقامه نماز جمعه و عید، اعلام جهاد و صلح، اخذ وجوهات شرعی، تشکیل حکومت و دهها مسئله اجتماعی سیاسی دیگر است. برخی فکر می‌کنند این امور همچون احکام شرعی فقهی، با تقلید از یکی از مراجع تقلید حل می‌شود. اما آیا مسائلی چون اعلام روز اول ماه مبارک رمضان و روز عید فطر و روز عید قربان و... همچون وجوب نماز و بیان احکام فقهی است؟ و اصولا آیا مسائل سیاسی اجتماعی اسلام که عمدتا مربوط به تشکیل حکومت و از شؤونات حاکم اسلامی است قابل تقلید است؟ این جاست که



مسئله تفکیک میان رهبری سیاسی مذهبی با مرجعیت تقلید مطرح می‌شود.

وظیفه مردم در قبال برخی مسائل دینی با ابهام روبروست! یکی از این مسائل، مسئله اعلام رؤیتِ هلال در ابتداء ماه مبارک رمضان و یا اعلام عید فطر است. مردم واقعا نمی‌دانند در این مسئله به مراجع تقلید مراجعه کنند یا از رهبر سیاسی مذهبی و حاکم شرع اطاعت کنند.

برای پاسخ به این پرسش، باید معیارها و شرح وظایف و حوزه کاری مرجعیت تقلید و حکومت اسلامی را بشناسیم، آنگاه بینیم مسئله حکم به ثبوت رؤیت هلال و اعلام عید با کدامیک از این ویژگی‌ها سازگاری دارد. در این راستا، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. ادله وجوب تقلید از فقهاء از باب رجوع جاهل به عالم است که فقط در محدوده بیان احکام شرعی فقهی اعتبار دارد و شامل موضوعات احکام نیست، زیرا تشخیص موضوع با خود مکلف است و تقلید در آن جایز نیست و چون ثبوت رؤیت هلال از موضوعات است قابل تقلید نیست.

۲. در علم فقه، نظر فقیه و مرجع تقلید، از موارد و معیارهای اثبات رؤیت



هلال ذکر نگردیده و آثار شرعی بر قول فقیه و مرجع تقلید (بما هو فقیه و مفتی) مترتب نشده است.

۳. صدور حکم حکومتی جزء اختیارات و وظایف حاکم شرع اسلامی است و صدور این گونه احکام و اوامر در موضوعات، حجیت شرعی دارد و لازم الاتباع است. علاوه بر آنکه در این خصوص، حکم حاکم از موارد اثبات کننده حکم شرعی و طریقه ثبوت رؤیت هلال نیز شمرده شده است. لذا اعلام ثبوت رؤیت هلال و اعلام عید منحصرأ از اختیارات حاکم شرع و رهبری سیاسی مذهبی است.

۴. صدور حکم حکومتی نمی‌تواند دارای تکثر و اختلاف باشد، از این رو از شؤون حاکم اسلامی است. بر خلاف احکام شرعی فقهی که قابل تکثر و محل ابراز آراء و نظرات مختلف است.

۵. مردد بودن اول ماه رمضان و عید فطر در چند روز موجب هرج و مرج و سرگردانی مؤمنین و اختلال در نظام جامعه شیعه می‌گردد.

۶. ممکن است بعضی ادعا کنند چون مورد ثبوت رؤیت هلال ماه شوال



نظیر موارد دوران امر بین المحذورین است یعنی یا رؤیت هلال و عید ثابت است که وجوب افطار را به دنبال دارد و از موارد امر به معروف (وجوب افطار) خواهد بود و یا رؤیت هلال و عید ثابت نیست و حرمت افطار را به دنبال خواهد داشت و از موارد نهی از منکر (حرمت افطار) خواهد بود،

در نتیجه بر مجتهدین و مراجع تقلید از باب امر به معروف و نهی از منکر لازم و واجب است که در این مسأله دخالت و اظهار نظر کنند. ولی این شبهه با اندک دقتی بر طرف می‌شود. چون امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که معروف و منکر قطعی و مسلم باشند، تا بتوان به آن امر یا از آن نهی کرد و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر شامل مورد بحث که غالباً مقطوع الوجوب و الحرمة نیست و اصل وجوب و حرمت آن مشکوک است نمی‌شود.

مضافاً بر این که در این صورت باید همه مردم در مسأله ثبوت رؤیت هلال دخالت کنند، چون امر به معروف بر همه مسلمانان واجب است. به علاوه همچنان که گفتیم ثبوت هلال از موضوعات است و در موارد اشتباه در



این‌گونه موضوعات در صورتی که علم به حکم شرعی وجود داشته باشد لازم نیست اشتباه و غفلت او را گوشزد کرد.

۷. از آنجا که مردم گمان می‌کنند این مسئله تقلیدی است، به مراجع عالیقدر مراجعه می‌کنند، در حالی که واقعا این‌گونه نیست لذا سکوت در برابر این مسئله به دلیل اغراء به جهل روا نیست و بایستی مردم را آگاه کرد.

۸. در این مسئله بین فقیهانی که قائل به اتحاد افق‌ها هستند و غیر آنان، تفاوتی نیست زیرا بنابراین قول فقط محدوده رؤیت هلال گسترده‌تر می‌گردد. خلاصه این که با توجه به معیارها و ویژگی‌هایی که در مسئله ثبوت رؤیت هلال و اعلام عید وجود دارد، این امر از اختیارات انحصاری حاکم شرع و رهبری سیاسی مذهبی است.

وداع با ماه خدا

این وداع برای کسی است که با ماه مبارک رمضان مانوس بوده و ماه مبارک رمضان دوست او می‌باشد والا آنکه با این ماه نبوده وداعی ندارد. انسان از دوستش و یا با کسی که مدتی مانوس بود، خداحافظی می‌کند. آنکه اصلا



نمی‌داند چه وقت ماه مبارک رمضان آمد و چه وقت سپری شد، چرا آمد و چرا سپری شد، او وداعی ندارد.

ولی آنان که از مانوسین این ماه بودند دل‌کنند از این ماه بسیار سخت و زجر آور می‌باشد لذا وقتی می‌خواهند وداع کنند وداعشان به حالت ضجه و ناله می‌باشد، گوئی اینکه طفلیست که می‌خواهد از مادرش جدا شود که این نوع حالت در بیانات امام سجاد ⁷ به خوبی مشهود است.

ثم قد فارقنا عند تمام وقته و انقطاع مدته و وفاء عدده و نحن مودعوه «

این ماه بعد از آنکه پایشان فرا رسید، از ما مفارقت و هجرت کرد و ما را تنها گذاشت و ما الان این ماه را وداع می‌کنیم.

وداع من عز فراقه علینا و غمنا

چه وداعی؟ وداع تشریفاتی؟ نه، وداع با یک دوست عزیزی که مفارقتش برای ما سخت است. آنکه اهل معنا بود خیرش در این ماه بیشتر شد؛ آنکه گرفتار گناه بود گناهش در این ماه کمتر شد. فرمود: ما کسی را وداع



می کنیم که رفتنش برای ما عظیم و سخت است و ما را غمگین کرد؛ این ماهی بود که شب و روزش رحمت .

بزرگان فقه ما همچون «مرحوم صاحب جواهر» و «سید محمد کاظم» صاحب «عروة الوثقی» و دیگران در کتاب‌هایشان هست که در فضیلت روزه گرفتن، همین بس که انسان از نظر ترک بسیاری از کارها شبیه فرشته می‌شود. همین که انسان از شکم رها شد، یک مقدار به فرشته شدن نزدیک می‌شود. گفته‌اند شش روز اوایل ماه شوال را به عنوان بدرقه، روزه بگیرید. بعد از عید فطر، که عید فطر روزه‌اش حرام است، زیرا اگر کسی دوست عزیزی را بخواهد بدرقه کند، چند قدم به همراه او می‌رود؛ معنای وداع کردن، به دنبال او چند قدم رفتن است.

دل‌نوشته‌هایی درباره‌ی عید سعید فطر

تبسم فطر

مسافر، به مقصد رسیده و بار، به منزل. کاروان رمضان، در منزل فطر، توقف کرده است. ساربان یگانه، کوله‌بار را در تجرد روح مسافر، به فراسوی



سبکبالی می‌خواند و این، آغاز نزول آرامش در بلوغ دل او خواهد بود.
چه عیدی بالاتر از این ابتدای متعالی؟! چه جشنی دلنشین‌تر از تبسم به
روی دقایق فطر؟

پایان ضیافت سی‌روزه

دستان بی‌نهایت خداوند، سفره مهمانی یک‌ماهه را جمع می‌کند تا گستره‌ای و
نامتناهی را بر اشتهای انسان، عرضه دارد. تصرف در متن فطر، امضایی است
که بر کارنامه‌ی رضوانی هر عاشق زده خواهد شد. سایبان مهربانی خداوند؛
گسترده‌تر خواهد شد و روشنای ازلی هدایتش، تداوم خواهد داشت. این،
همان بشارتی است که پیامبر فطر، به ابلاغش مبعوث شده است

بهانه‌ای برای خدا

جماعت! این فقط عید نیست؛ بهانه‌ای خالقانه است برای کرامت و
بخشنده‌گی؛ فرصتی است تکرار ناشدنی، برای اجابت همه نیازهایی که چشم
به آستان رمضان دوخته بودند. پس درمی‌یابیم این شکوه مبارک را و با هم



ترانه ممتدّ عبودیت را بخوانیم؛ چرا که همگان معترفیم بر عطش وصل و مرتکبیم بر شور مسلمانی! مبارکباد این عید بر همه عاشقان صبح

اعمال شب عید فطر

شب اول ماه شوال از جمله لیالی شریفه است و در فضلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده است و روایت شده است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است:

اول: غسل است در وقتیکه غروب کرد آفتاب.

دوم: احیاء آن شب به نماز و دعاء و استغفار و سؤال از حقتعالی به بیتوته در مسجد.

سوم: آنکه بخواند در بعد از نماز مغرب و عشا و نماز صبح و پس از نماز عید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد الحمد لله علی ما هدینا و له الشکر علی ما اولینا.

چهارم: آنکه چون نماز مغرب و نافله آن را خواند دستها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: "یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره



صل علی محمد و آل محمد و اغفرلی کل ذنب احصیته و هو عندک فی کتاب
مبین" پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید "اتوب الی الله" پس
هر حاجت که دارد از حق تعالی بخواهد که انشاءالله برآورده خواهد شد. و در
روایت شیخ است که بعد از نماز مغرب بسجده رود و بگوید "یاذا الحول یا ذا
الطول یا مصطفیا محمدا و ناصره صل علی محمد و آل محمد و اغفرلی کل
ذنب اذنبته و نسیته انا و هو عندک فی کتاب مبین" پس صد مرتبه بگوید
"اتوب الی الله."

پنجم: زیارت کند امام حسین 7 را که فضیلت بسیار دارد.
ششم: ده مرتبه بگوید ذکر یا دائم الفضل را که در اعمال شب جمعه است.

نماز عید فطر دو رکعت است: در رکعت اول، بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگوید، بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند، بعد از قنوت پنجم، تکبیر دیگری بگوید، به رکوع رود، دو سجده بجا آورد، برخیزد و در رکعت دوم، چهار تکبیر بگوید، بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید، به رکوع رود، بعد از رکوع دو سجده کند، تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

دعای قنوت:

« اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ
وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَزَيْدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي
مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ
الْمُخْلِصُونَ »

